

قدرت و پژوهش: جستاری انتقادی در باب فرآیند انتشار مقالات در نشریات حوزه مطالعات هنر

سینا علیزاده^{۱*}، زهرا کشفی^۲

۱. کارشناسی ارشد پژوهش هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. پژوهشگر دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۱-۱ مدت زمان انتظار برای پذیرش / رد مقاله

در دنیایی که تمامی ابعادش با سرعت در حال تغییر است، مدت زمان انتظار برای پذیرش یا رد یک مقاله یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها به شمار می‌آید و ضروری است که روشن باشد. این موضوع در بسیاری از نشریات «علمی» منطق خاصی را دنبال نمی‌کند. در صورت پیگیری دانشجوی به او گفته می‌شود که، به طور مثال، فرآیند مربوط به مقاله طی شده است و می‌بایست منتظر پاسخ داور دوم بود. معمولاً داور به عنوان عضوی خارج از نشریه معرفی می‌شود که دیرکرد او یا پاسخ ندادنش به ایمیل، ربطی به نشریه ندارد. این انتظار در بسیاری از نشریات با الگوی معینی دنبال می‌شود؛ اما در بسیاری دیگر شفافیتی وجود نداشته و نمی‌توان چیزی را پیش‌بینی کرد.

مدت زمان انتظار غیرمعقول و نامشخص، جدا از فرسایشی کردن مسیر پژوهشی و آکادمیک، یک پیام واضح برای دانشجوی دارد و آن این است که فعالیت دانشجوی یا پژوهشگر ارزش ساماندهی یک ساختار منظم را، حداقل از نظر زمانی، ندارد. دلایل مختلفی را می‌توان برای این موضوع در نظر گرفت. از جمله این مسئله که، در سال‌های اخیر تعداد دانشجویان و فارغ التحصیلان (مخصوصاً در زمینه هنر) افزایش پیدا کرده، اما به نسبت آن تعداد نشریات «علمی» افزایش قابل ملاحظه‌ای نداشته و دوم اینکه انحصار، سیستم نظارت را از حالت معمول عرضه و درخواست خارج کرده است. در واقع نیازی به نظارت نهادی بالاتر وجود ندارد. حال متعارف این است که نشریه بدون برنامه یا نشریه‌ای که به ارزش زمان دانشجوی یا پژوهشگر بی‌توجه است، به تدریج مقاله‌ای دریافت نکند و برای بهبود و اصلاح ساختارش تلاش کند.

معمولاً مرز باریکی میان تلاش برای حل یک مسئله و پذیرش آن به مثابه عضوی جدایی‌ناپذیر وجود دارد. در سال‌های اخیر، دانشجویان یا پژوهشگران حوزه مطالعات هنر، در مسیر انتشار مقالات خود، با مشکلات متعددی روبه‌رو بوده و هستند. مشکلاتی که معمولاً در جوامع دانشگاهی و به صورت شفاهی مطرح می‌شود و تصور غالب این است که «باید پذیرفت». این جستار تلاش دارد تا بخشی از این دغدغه‌های مربوط به نشر مقالات را واکاوی کند و سوال‌های رایج مربوط به فضای نشریات «علمی» و ارتباط آن با قدرت را مکتوب نماید. تمامی مواردی که ذکر خواهد شد به قدرت نشریات، ارتباط می‌یابند. در این متن به ارائه‌ی راهکاری پرداخته خواهد شد و باور بر این است که شناخت عمیق و طبقه‌بندی شده مشکلات، در کنار فراهم کردن فضا برای گفت‌وگو و نقد رویکردهای پذیرفته شده، به گشایش زمینه برای ایجاد تغییر، یاری می‌رساند. این متن به تحلیل‌های آماری متکی نیست و تنها به طبقه‌بندی مباحث و تحلیل کیفی آن‌ها می‌پردازد تا زمینه را برای انجام پژوهشی جدی‌تر در شماره‌های بعدی و بر اساس تحلیل آماری و تحقیقات میدانی فراهم کند. ناگفته پیداست که موارد ذکر شده لزوماً در باب تمامی نشریات و داورها صدق نمی‌کند.

۱- قدرت نشریات

هر نشریه مطابق با اهداف خود، شیوه‌نامه‌ای را تنظیم می‌کند و در جهت ارتقای سطح علمی جامعه در تلاش است. در این میان مواردی در فرآیند انتشار یک مقاله وجود دارند که برآمده از قدرت نشریات است و مجموعه را از اهداف خود دور می‌کند. برخی از این موارد به شرح زیر است:

«در مقالات پژوهشی و تولیدی، آنچه اهمیت دارد، تولید علم است. بدین جهت دارای نوآوری علمی است، که می‌بایست در آن به اصل موضوع توجه شود و از بیان حاشیه خودداری گردد. همچنین اتخاذ از منابع به روز و معتبر علمی دارای اهمیت است. در مقالات مطالعاتی و ترویجی توجه به جابه‌جایی، تلفیق و ترکیب علم و دانش موجود است و به تولید علم دست اول کمک شایانی نمی‌کند و تنها هدفش روشن شدن زوایای مسئله است و از ارزش و اعتبار مقالات پژوهشی برخوردار نیست. مقالات گردآوری، مروری، تدوینی، ترجمه‌ای و تحلیلی در این بخش قرار می‌گیرند.» (۱۳۹۸: ۳۵۵-۳۵۶).

در این قسمت این پرسش بررسی می‌شود که چه ارتباطی میان قدرت داور و داوری ضعیف وجود دارد؟ بسیاری از پژوهشگران با آگاهی به ضرورت نگارش مقاله، زحمت زیادی را متقبل می‌شوند و زمان زیادی صرف می‌کنند تا بدون چشم‌داشت مالی و حتی بعضاً با صرف هزینه‌ای گزاف، مقاله‌ای بنویسند. هدف آن‌ها به جز رشد آکادمیک شخصی، پیشبرد دانش مخاطب از یک موضوع متمرکز است. هدفی که در بسیاری از موارد به واسطه نحوه برخورد داورها با آن مقاله، عقیم می‌ماند. در موارد متعددی مشاهده شده که داور، صلاحیت داوری مقاله‌ای را ندارد. این فقدان صلاحیت، در ابعاد مختلفی اتفاق می‌افتد. در برخی موارد، از نظرات داور مشهود است که مقاله را، حتی یکبار هم به صورت سطحی نخوانده است. مورد دیگر آنکه، بعضاً در توضیح داور برای رد یا نیاز به بازنگری مقاله، نشانی از استدلال و منطق وجود ندارد.

موارد استاندارد می‌کند که در یک مقاله باید در بررسی داورها قرار گیرد به شرح زیر است:

۱. محتوای علمی
۲. طرح تحقیق
۳. صحت داده‌ها
۴. اصالت مقاله و سهم یافته‌های مقاله در توسعه‌ی دانش و اهمیت یافته‌ها
۵. اعتبار نتایجی که تحقیق به آن‌ها دست یافته است
۶. کامل بودن ادبیات موضوعی و اطمینان از مرور کامل پژوهش‌های پیشین
۷. شفاف، سلیس و روان بودن نوشتار
۸. برانگیختن توجه خوانندگان نشریه» (احمدی و کریمی، ۱۳۹۱: ۲۲).

متأسفانه به دلیل حجم زیاد مقالات ارسال شده، تنوع کم داورها و عدم در نظر گرفتن بودجه کافی برای داوری، مشاهده می‌شود که مدت زمان خوانش متن و داوری، کاهش یافته و توجه به این موارد به میزان کمی وجود دارد. در بسیاری موارد، هر داور از منظر شخصی و به واسطه‌ی بازتاب نگاه خود به ارزیابی مقاله می‌پردازد.

یک نشریه علمی پس از دریافت مقالات به نظر متخصصان و صاحب‌نظران نیاز دارد تا بتواند کیفیت نشریه خود را حفظ نماید. این در حالی است که داوری مقالات یک نشریه علمی که جنبه‌ی مادی ندارد، برای داورها و متخصصان در اولویت قرار نمی‌گیرد. این اولویت‌بندی می‌تواند به مواردی چون مشغله داورها مرتبط باشد؛ بنابراین باید گفت در اغلب اوقات، میان داورها و نشریات، تعامل دو سویه برقرار نمی‌شود.

علاوه بر موارد ذکر شده می‌توان ادعان داشت که ارزش یک پژوهش منوط به توجه به بخش «اهمیت و ضرورت» آن است. به این معنی که اگر پژوهشگری نسبت به مسائل روز دغدغه‌مند باشد، به دنبال آن است که به واسطه پژوهش، فقدان موجود در جامعه را حل کند. بنابراین پژوهشی که انجام می‌شود زمان‌مند، مکان‌مند و در تناسب با بافت است. نشریات علمی با به تعویق انداختن داوری و پذیرش، امکان همگام شدن پژوهش با شرایط روز را، سلب می‌کنند. برای مثال، پژوهشی که دو سال بعد از نگارش منتشر شود، احتمالاً ضرورت خود را از دست داده‌است؛ حتی اگر بتواند تولیدکننده ایده‌های جدید باشد. آیا در این صورت می‌توان گفت که فقدان تعادل در قدرت موجود، تولید دانش را به تعویق می‌اندازد؟

۱-۲ دریافت هزینه

معمولاً در فضای دانشگاهی ایران به غیرسرمایه‌داری بودن سیستم افتخار می‌شود؛ ولی در واقع در بسیاری از موارد، روندی که ایجاد شده وضعیت بدتری را ایجاد کرده‌است. در فضای آکادمیک یک کشور غربی، شاید انتشار یک مقاله به صورت رایگان بسیار نادر باشد؛ اما ساختارهای متنوعی هم برای حمایت مالی از پژوهش‌های دانشجویان و پژوهشگران هنر وجود دارد. در فضای مربوط به مطالعات هنر ایران، کمتر ساختاری برای حمایت مالی از پژوهش‌ها وجود دارد و در مقایسه با پژوهش‌های رشته‌های دیگر، به نظر می‌رسد این حوزه از حمایت کمتری برخوردار است. حال پژوهشگری که در این روند و نگرش نادرست دوام می‌آورد و با هزینه شخصی مقاله‌ای را می‌نویسد، برای انتشار این مقاله در بسیاری از نشریات باید هزینه‌های گزاف نیز پرداخت کند. این هزینه در نشریات یا موسسه‌ها به مثابه منبع درآمد است؛ اما کمتر پیش می‌آید که این درآمدزایی به چرخه تولید دانش و رونق مطالعات کمک کند.

۱-۳ داوری

اگر بتوان از جامعه پژوهشگران نام برد، این مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد که اختلافات موجود میان استادها و یا پژوهشگران، فردگرایی را در فرایند پژوهش سبب می‌شود و این مسئله منجر به قطع رابطه‌ی دیالکتیکی میان پژوهش‌ها می‌گردد. برخی از پژوهشگران با دعوی داشتن نگاه انتقادی نسبت به دیگر پژوهش‌های انجام شده، به جای نقد، در جهت بیان خصومت‌های شخصی دست به نگارش می‌برند و به واسطه نفوذ و قدرتشان در نشریات، نوشته‌های خود را در کمترین زمان منتشر می‌کنند. در این صورت این پرسش پیش می‌آید که آیا هنوز می‌توان هدف از نوشتن مقالات علمی را ارتقای سطح کیفی علم و دانش دانست؟ در این بخش لازم است که ابتدا به برخی از پرسش‌های بنیادین در باب پژوهش پاسخ داده شود. اینکه هدف از نوشتن مقالات علمی - ترویجی و علمی - پژوهشی چیست؟ پژوهشگران، اعم از دانشجویان و استادها به دو منظور اقدام به نگارش مقاله می‌کنند. اول برای انتقال ایده‌های خود و دوم در جهت قوانین نهادهای آموزشی برای جذب و با ترفیع رتبه. حافظ نیا در کتاب خود با عنوان مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، مقالات علمی را به دو دسته کلی تقسیم می‌نماید: پژوهشی و مطالعاتی.

این امر معمولاً، آن است که سطح یک مقاله‌ی علمی پژوهشی را هم تراز با یک گزارش قرار می‌دهد و مقالات از کیفیت کافی برخوردار نیستند.^۱ که نشریات تلاشی برای ساختن پل بین ایران و سایر کشورها نمی‌کنند. شاید دلیل این موضوع فقدان درایت مدیران نشریات و یا داشتن سمت-های گوناگون و مسئولیت‌های مختلف متعدد باشد.

۵-۱ انطباق پیشرفت دانش با دریافت امتیاز

معمولاً واکنش نشریات علمی نسبت به پژوهشگری که می‌خواهد مقاله‌اش را منتشر کند، این است که گویی کسب امتیاز تنها هدف اوست. جدا از اینکه این موضوع کاملاً طبیعی است و باید واقع‌بینانه به آن نگریست. پژوهشگر نیاز دارد که علاوه بر منافع جمعی به منافع شخصی خود نیز توجه داشته باشد. باید گفت که این دو منافع باید هم جهت باهم عمل کنند و ساختار گرفتن امتیاز باید به نحوی باشد که پیشرفت دانش را تسهیل کند نه آنکه مانعی در برابر آن باشد. در بسیاری از موارد دیده می‌شود که افراد صاحب‌نظر، که برای ارتقای علمی کشور و جامعه تلاش کرده‌اند، به انزوا رفته و هیچ امتیازی دریافت نمی‌کنند؛ اما افرادی که با این سیستم آشنا هستند به راحتی می‌توانند بدون داشتن دغدغه‌ی رشد علمی جامعه، امتیاز لازم را کسب کنند. بنابراین برای امتیاز گرفتن نوعی ارزش‌گذاری به وجود می‌آید و بسیاری از افراد، سیستم امتیاز گرفتن را به کلی کنار گذاشته و آن را مخالف شان خود می‌دانند. اتفاقی که در سیستم دانشگاهی کشور و کمبود استادهای برجسته، به کثرت مشاهده می‌شود.

پی‌نوشت

۱. مثلاً زمانی که برای ثبت نام در یک نشریه اقدام می‌شود، یکی از پرسش‌های مطرح شده این است که آیا برای همکاری در داوری تمایلی وجود دارد یا خیر؟ که اکثریت پاسخ مثبت را انتخاب می‌کنند. این مسئله، بر این امر تاکید می‌کند که صلاحیت داوری مشخصی وجود ندارد. حتی بسیاری از نشریات فاقد شیوه‌نامه‌ی مدون برای صلاحیت داورها هستند.

منابع

احمدی، محمد و اوژن کریمی (۱۳۹۱). «داوری مقالات علمی پژوهشی: ابزار کنترل راهبردی برای ارتقا سطح دانش». نشریه کتاب ماه کلیات. شماره ۱۷۷. ص ۲۰ تا ۲۵.
حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.

عدم تعامل دو سوپه و زمان طولانی داوری‌ها سبب می‌شود که نشریات، از میان دانشجویان با تجارب پایین‌تر، برای داوری کمک طلبند. نتیجه رعایت اصل بی‌طرفی، در داوری مقالات حائز اهمیت است. همانگونه که یک محقق باید در نگارش مقاله به این نکته توجه کند، در فرآیند داوری نیز باید ایده‌آل‌ها، باورها و عقاید شخصی داورها فراموش شود. سلامت یک تحقیق مستلزم رعایت اصل بی‌طرفی است. یکی دیگر از مواردی که در نشریات و داوری آن‌ها می‌تواند قابل توجه باشد، به طور کلی، وجود فرهنگ تحقیق است. به این منظور که فرهنگ جامعه در سطحی باشد که به کارهای تحقیقاتی بها داده و برای آنها ارزش و اعتبار در نظر گرفته شود. فراهم کردن امکانات و فنون و مهارت‌های لازم برای پژوهشی معتبر ضروری است.

قدرت و حضور دائمی برخی از صاحب‌نظران در اکثر نشریات، تنوع داوری را با چالش روبرو می‌کند. این مسئله را باید پذیرفت که یک متخصص قطعاً بر تمامی جنبه‌های هنر اشراف ندارد و معمولاً به صورت متمرکز بر یک رشته و یا موضوع تمرکز داشته است. اینکه به واسطه‌ی نفوذ خود در هر نشریه‌ای در لیست داورها قرار می‌گیرد و مقالات متعددی با موضوعات متنوع داوری می‌کند، یکی از آسیب‌های جدی است که از اعتبار و ارزش نشریات می‌کاهد.

موارد دیگری از انواع فقدان صلاحیت را نیز می‌توان نام برد. سلیقه‌ای بودن داوری‌ها، گاهی تا حدی افزایش می‌یابد که ممکن است یک مقاله در نشریه‌ای معتبر، بدون بازنگری پذیرش و در نشریه‌ای دیگر، با قطعیت رد شود. دیگر مسئله آن است که فضای گفتگویی مشترک بین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف وجود نداشته و یا بسیار کم است. بدین معنا که در یک مقاله‌ی «علمی» مربوط به مطالعات هنر، تعاریف متعددی از «علمی بودن» در بین داورها وجود دارد. آیا زمانی که نقطه نظر مقاله با دیدگاه داور متفاوت است باید به آن برچسب «غیرعلمی» زد؟

۴-۱ پویایی و ارتباط با جوامع بین‌المللی

در بسیاری از موارد، دانشجویان چندین قدم از نهادها و ساختارهایی که وظیفه‌شان برقرار کردن پل بین ایران و دیگر دانشگاه‌هاست جلوترند. در سال اخیر، بعد از همه‌گیری ویروس کرونا، عملکرد انجمن‌های علمی کثیری از رشته‌های متفاوت بهتر از نهادهایی بود که برای برقراری ارتباط آکادمیک بودجه دریافت می‌کردند. یک نشریه «علمی» در دوره معاصر، باید بتواند تمهیداتی را بباندد تا فضای دانشگاهی ایران را از انزوا بیرون آورده و مقالات مطرح و برجسته‌ی چاپ شده را به متخصصین دیگر دانشگاه‌ها معرفی کند. اما چیزی که در واقع مشاهده می‌شود، این است